

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل آیدنولوژیک

داکتر سها  
۰۵ اگست ۲۰۱۵

## نقد قرآن

۴

به ادامه گذشته:

### بارداری و جنین

منی آب پستی است

ثُمَّ جَعَلَ نَسْلَهُ مِنْ سُلَالَةٍ مِّنْ مَّاءٍ مَّهِينٍ (۸) سجده

ترجمه: سپس نسل او (انسان) را از چکیده آبی پست مقرر فرمود (۸)

امروزه مشخص شده است که منی یکی از برترین پدیده های حیاتی است. در هر قطره آن میلیونها اسپرم زنده در حال فعالیت همراه با همه مواد لازم مثل غذا و آب و مواد حفاظتی وجود دارند. اما انسان بی اطلاع گذشته گمان می کرد که منی آبی پست و بی ارزش و نفرت انگیز است. همین ایده غلط عوام را ، محمد وارد قرآن کرده است. اگر این آیت از خدا بود قطعاً می دانست که منی از عظمت های خلقت و فوق العاده ارزشمند است و آن را پست نمی دانست. بنابر این آیت مذکور کلام محمد است نه خدا.

خروج منی از بین ستون فقرات و قبرغه ها:

فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ مِمَّ خُلِقَ (۵) خُلِقَ مِنْ مَّاءٍ دَافِقٍ (۶) يَخْرُجُ مِنْ بَيْنِ الصُّلْبِ وَالتَّرَائِبِ (۷) الطارق

پس انسان باید بنگرد که از چه آفریده شده است (۵) از آب جهنده ای خلق شده (۶) [که] از صلب مرد و میان استخوانهای سینه زن بیرون می آید (۷)

در آیت زیر نیز می گوید نسل آدم را از پشت انسان برگرفته است که مؤید همان آیات قبل است.

وَإِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَأَشْهَدَهُمْ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَىٰ شَهِدْنَا أَنْ تَقُولُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّا كُنَّا عَنْ هَذَا غَافِلِينَ (۱۷۲) - اعراف

ترجمه: و هنگامی را که پروردگارت از پشت فرزندان آدم ذریه (نسل) آنان را برگرفت و ایشان را بر خودشان گواه ساخت که آیا پروردگار شما نیستم گفتند چرا گواهی دادیم تا مبادا روز قیامت بگوئید ما از این [امر] غافل بودیم (۱۷۲)

امروزه مشخص است که منی در بیضه ها ساخته می شود و در کیسه منی ذخیره می شود و از مجرای ادرار خارج می شود و محل ساخت و مسیر خروج آن هیچ ربطی به ستون فقرات و سینه ندارد. پس این گفته قرآن، غلطی فاحش است. این غلط، ریشه در خرافات باستانی دارد. مثلاً:

Hippocrates پزشک یونانی در ۲۵۰۰ سال قبل معتقد بود که منی از مغز سرچشمه می گیرد و سپس وارد نخاع موجود در ستون فقرات می شود و از آنجا به کلیه و بیضه و مجرای ادرار می رود ۱. همچنین در تورات (۳۰۰۰ سال پیش) در موارد متعدد به همین مطلب اشاره شده است از جمله خدا در خطاب به یعقوب می گوید "پادشاهان بسیار از پشت (صلب) تو پدید خواهند آمد"

این غلط در بین اعراب نیز از قدیم و حتی امروز شایع است. ۲. می بینید که محمد یك غلط عامیانه را به اسم خدا وارد قرآن کرده است. بیچاره خدائی که نمی داند منی در کجا ساخته و جریان می یابد.

خطای واضح دیگر در آیات سوره طارق اینست که می گوید

انسان از منی مرد ساخته می شود. چون گفته شده که انسان از آب جهنده ساخته می شود. آب جهنده فقط در مورد منی در مرد صادق است. چون زن اصولاً فاقد منی است و تنها ترشحاتی در دیواره مجرای تناسلی و رحم دارد که انتقال اسپرم را تسهیل می کند و تخمک زن هم با پاره شدن جدار تخمدان آزاد می شود و آب جهنده نیست. از طرف دیگر اگر می خواست بگوید که انسان از منی مرد و زن ساخته می شود باید آب جهنده را به صورت تشبیه به کار می برد نه مفرد. به علاوه در هیچ جای قرآن به نقش زن در نطفه اشاره ای نشده است. این هم یك باور غلط قدیمی بود که بچه را صرفاً حاصل منی مرد می دانستند و حتی تا همین اخیر نیز در جوامع رایج بود. باز هم می بینید که محمد این غلط رایج را وارد قرآن کرده و به خدا نسبت داده است. لازم به ذکر است که در روایاتی صحبت از آب زن و مرد شده است. در صورت صحت روایات مذکور به نظر می رسد که محمد متوجه این خطای خود در قرآن شده است و در حدیث سعی در اصلاح آن کرده است ولی به هر صورت آنچه در قرآن آمده است غلط است.

### تعیین نر و ماده پس از علقه

أَلَمْ يَكُنْ نُطْفَةً مِّنْ مَّيِّ يُمْنَى (۳۷) ثُمَّ كَانَ عَلَقَةً فَخَلَقَ فَسَوَّى (۳۸) فَجَعَلَ مِنْهُ الزَّوْجَيْنِ الذَّكَرَ وَالْأُنثَى (۳۹) - قیامت ترجمه: آیا او نطفه هائی از منی که در رحم ریخته می شود نبود (۳۷) سپس به صورت خون بسته در آمد و خداوند او را آفرید و موزون ساخت (۳۸) و سپس از او دوزوج مرد و زن آفرید (۳۹) در تفسیر آیات فوق احادیثی با مضمون واحد آمده است از جمله:

-پیامبر گفت: نطفه در رحم به مدت ۴۰ شب قرار می گیرد سپس فرشته ای را به سوی آن می فرستد. فرشته می پرسد ای خدا مرد باشد یا زن؟ سپس خدا او را مرد یا زن قرار می دهد. ۳

این آیات می گویند که نر و ماده بودن جنین پس از مرحله علقه معین می شود که غلطی فاحش است، چون جنسیت جنین به محض تشکیل سلول تخم (ترکیب اسپرم و تخمک در چند ساعت اولیه پس از آمیزش جنسی) مشخص است.

### مراحل رشد جنین

قرآن در آیات زیر مراحل رشد جنین را ذکر کرده است:

مؤمنون: وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سَلَالَةٍ مِّنْ طِينٍ (۱۲) ثُمَّ جَعَلْنَاهُ نُطْفَةً فِي قَرَارٍ مَّكِينٍ (۱۳) ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظَامًا فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا ثُمَّ أَنشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ (۱۴)

ترجمه: او به یقین انسان را از عصاره های از گل آفریدیم (۱۲) سپس او را نطفه ای در جایگاهی استوار قرار دادیم (۱۳) آنگاه نطفه را به صورت خون بسته (علقه) درآوردیم پس آن علقه را گوشت جویده شده (مضغه) قرار

دادیم و آنگاه مضغه را استخوانهای گردانیدیم بعد استخوانها را با گوشتی پوشانیدیم آنگاه آفرینشی دیگر پدید آوردیم آفرین باد بر خدا که بهترین آفرینندگان است (۱۴)

مراحل ذکر شده عبارتند از : تبدیل نطفه به خون بسته (علقه) و سپس تبدیل به گوشت جویده شده (مضغه) و سپس تبدیل به استخوان و سپس استخوان توسط گوشت پوشیده می شود و سپس آفرینش دیگر.

حدیثی صحیح و متفق علیه در تفسیر آیت فوق (و آیات مشابه) آمده است:


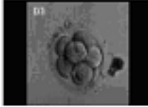

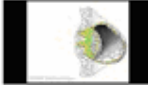
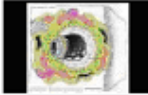








-حدثنا رسول الله وهو الصادق المصدوق قال إن أحدكم يجمع في بطن أمه أربعين يوماً ثم علقه مثل ذلك ثم يكون مضغة مثل ذلك ثم يبعث الله ۲۴۳۳ و / ملكا فيؤمر بأربعة برزقه وأجله وشقي أو سعيد (صحيح بخاري ۶۳۶۶ و / ۴۷ و سنن نسائي ۶ / ۲۰۳۶ و صحيح ابن حبان ۱۴ / صحيح مسلم ۴ / ۲۲۸) سنن أبي داود ۴

ترجمه : پیامبر گفت هر يك از شما در شکم مادرش گرد می آید به مدت ۴۰ روز و سپس علقه می شود به همان مقدار ( ۴۰ روز) و سپس مضغه می شود به همان مقدار ( ۴۰ روز) سپس خدا ملكي را می فرستد و به چهار چیز امر می شود به رزق و مرگ و شقي بودن یا سعيد بودن.

بر اساس این حدیث مدت نطفه ۴۰ روز و مدت علقه نیز ۴۰ روز و مدت مضغه نیز ۴۰ روز می شود . اما منظور از ایجاد آفرینش دیگر، دمیدن روح در جنین است (به نقل از چندین صحابه از جمله ابن عباس در تفاسیر طبري، کشاف، الدر المنثور و الجلالین).

برای مقایسه مراحل ذکر شده با واقعیت های رشد جنین به هر کتاب جنین شناسی دانشگاهی می توانید مراجعه کنید . برای تسهیل امر در اینجا به اختصار، مراحل رشد جنین را در اشکال زیر آورده ام . رشد جنین از آغاز القاح تا انتهای ۸ هفتگی (حدود ۶۰ روز که فرم کلی جنین ایجاد شده و (stage) است) به ۲۳ مرحله تقسیم می شود . در سمت چپ شکل، مراحل زمان و اندازه جنین بر حسب میلی متر و در سمت راست نوع تغییرات مهمی که در هر مرحله اتفاق می افتد را ذکر کرده است . بعد از ۸ هفتگی جنین به سرعت رشد می کند و تمام قسمتها و ارگانهای داخلی و بافتها به سرعت تکامل می یابند تا هنگام تولد (آخرین شکل) . البته مراحل رشد برخی بافتها و ارگانها مخصوصاً سیستم عصبی پس از تولد هم ادامه می یابد . همانطور که مشاهده می کنید جنین دائماً در حال تغییر و تکامل است، حال کدامیک از مراحل علقه است و کدام مضغه و کدام استخوان و کدام دمیدن روح . هیچ کدام از این مراحل در دوره رشد جنین وجود ندارند.

## Carnegie Stage Table

Stage	Days (approx)	Size (mm)	Images (not to scale)	Events
1	1 (week 1)	0.1 - 0.15		fertilized oocyte, <b>zygote</b> , pronuclei
2	2 - 3	0.1 - 0.2		<b>morula</b> cell division with reduction in cytoplasmic volume, <b>blastocyst</b> formation of inner and outer cell mass
3	4 - 5	0.1 - 0.2		loss of zona pellucida, free <b>blastocyst</b>
4	5 - 6	0.1 - 0.2		attaching <b>blastocyst</b>
5	7 - 12 (week 2)	0.1 - 0.2		<b>implantation</b>
6	13 - 15	0.2		extraembryonic mesoderm, primitive streak, <b>gastrulation</b>
7	15 - 17 (week 3)	0.4		<b>gastrulation</b> , notochordal process
8	17 - 19	1.0 - 1.5		primitive pit, notochordal canal
9	19 - 21	1.5 - 2.5		<b>Somitogenesis Somite Number 1 - 3</b> neural folds, cardiac primordium, head fold
10	22 - 23 (week 4)	2 - 3.5		<b>Somite Number 4 - 12</b> neural fold fuses
11	23 - 26	2.5 - 4.5		<b>Somite Number 13 - 20</b> rostral neuropore closes
12	26 - 30	3 - 5		<b>Somite Number 21 - 29</b> caudal neuropore closes
13	28 - 32 (week 5)	4 - 6		<b>Somite Number 30</b> leg buds, lens placode, pharyngeal arches

۴-

جنین در هیچ مرحله ای خون بسته نیست و در هیچ مرحله ای (شبیبه) گوشت جویده نیست و در هیچ مرحله ای استخوان نیست. اساساً رشد تمام بافتها از جمله عضله و استخوان با هم پیش می روند نه این که ابتداء جنین تبدیل به استخوان شود و سپس گوشت اطراف استخوانها را فرا گیرد. همچنین هیچ تغییری که نشانگر دمیدن روح باشد در جنین اتفاق نمی افتد.

وضعیت از این هم بدتر می شود اگر حدیث فوق را همراه با آیات بررسی کنید. حدیث گفته که قبل از علقه ۴۰ روز طی می شود طبعاً بر طبق آیات فوق این دوره ۴۰ روزه دوره نطفه خواهد بود. در صورتی که نطفه (القاح اسپرم و تخمک و تشکیل سلول تخم) در بخشی از یک روز تشکیل می شود و ۴۰ روز شامل ۱۶ مرحله تغییر می شود. چطور می شود اینهمه مراحل را نطفه نامید. طبق حدیث از مرحله ۱۶ تا ۴۰ روز بعد جنین به صورت علقه (خون بسته)

است که بی معنی است و از ۸۰ روز به بعد تا ۱۲۰ روزگی مضغه می شود در حالی که در تمام این مدت جنین دارای طرح کامل انسان است (شکل آخر) و هیچ شباهتی به گوشت جویده ندارد. بنابراین تمام آنچه در آیات و احادیث در مورد مراحل رشد جنین آمده است، غلط است.

عده ای از معجزه تراشان سعی کرده اند که به کمک محمد بیابند و از اینهمه غلط معجزه بسازند. گفته اند که منظور از علقه زالوست نه خون بسته. یعنی قرآن می خواسته بگوید که جنین شبیه زالوست. چون مثل زالو به دیواره رحم می چسبد. اما این نظر باطل است چون اولاً مخالف نظر و فهم تمام مفسران و عالمان دینی و صحابه در ۱۴۰۰ سال گذشته است. چنانچه سیوطی در تفسیرش می گوید علقه جمع علق است به معنی خون غلیظ.

ثانیاً: اگر فرض کنیم که تمام بزرگان دین اشتباه کرده اند و منظور زالوست باز هم مسأله حل نمی شود چون جنین بعد از هفته اول تا آخر ۹ ماهگی به دیواره رحم چسبیده است بنابراین باید گفت علقه شامل تمام دوره های جنینی می شود که خلاف نص قرآن است. ممکن است بگویند که زالو نامیدن جنین نه به خاطر چسبیدن به رحم بلکه به خاطر شکل خمیده جنین است. اما باز هم مشکل حل نمی شود چون اولاً شکل عادی زالو خمیده نیست و ثانیاً جنین از هفته سوم تا آخر ۹ ماه فرم خمیده دارد بنابراین باز هم باید گفت که علقه شامل تمام دوره های جنینی می شود که خلاف نص قرآن است جالبتر از همه اینست که بدانید که این گفته قرآن در مورد مراحل رشد جنین از قرنهای قبل از اسلام در جوامع آن زمانها رایج بوده است. گالان پزشک مشهور یونانی در حدود سال ۱۵۰ پس از میلاد (۴۵۰ سال قبل از محمد) در ترکیه فعلی نوشته است:

"خلقت جنین به چهار مرحله تقسیم می شود. مرحله اول که شکل منی (معادل نطفه) غالب است... وقتی که با خون پرشد (معادل علقه) و هنوز قلب و مغز و کبد ساخته نشده اند و بی شکل است ولی دارای جسمیت است و اندازه قابل ملاحظه ای دارد این مرحله دوم است و شکل گوشت دارد (معادل مضغه) نه منی... مرحله سوم به دنبال می آید... که در آن سه جزء مشخص، یک طرح کلی و رای همه قسمتهای دیگر قابل مشاهده است. پیدایش سه جزء مشخص را واضحت می بینی معده را مبهمتر و دست و پاها را. سپس آنها شاخه (برجستگی که دستها یا پاها را می سازند) تولید می کنند. در چهارمین و مرحله نهایی همه قسمتهای اندامها مشخص شده اند... و حرکت می کند چون حیوان به طور کامل ساخته شده است... زمان آن برای طبیعت فرا رسیده است که ارگانها را به طور دقیق به هم مرتبط کند و کامل کند. بنابراین طبیعت موجب می شود که گوشت بر رو و اطراف استخوانها رشد کند... و در انتهای استخوانها لیگامنتها را قرارداد که استخوانها را به هم نگه می دارد و در سراسر اطراف استخوان پرده ای قرار داد که به آن پریوستال گفته می شود." ۵

انصافاً می بینید که گلن مراحل ذکر شده توسط قرآن را با دقت و صحت بیشتر گفته است. صحت بیشتر به این دلیل که پرشدن از خون گرچه کاملاً درست نیست ولی از نظر جنین شناسی قابل قبول تر است چون رگهای خونی در اطراف و درون ساختار اولیه جنین تشکیل می شوند اما خون بسته شده غلط است. در مرحله بعد گلن گفته که جنین شبیه گوشت شده که با مضغه تناسب دارد اما مفهوم جویده شده معنی را تحریف کرده است. در مراحل بعد جوانه زدن دستها و پاها و تکمیل آنان را بدرستی توضیح داده است ولی در قرآن و حدیث نیامده است. همچنین رشد گوشت در اطراف استخوانها را ذکر کرده که درست است ولی محمد به جای بیان صحیح گلن بیان غلط قرآن را به کار برده که مضغه به استخوان تبدیل می شود (یعنی در این مرحله جنین از جنس استخوان است) که غلط است و سپس گوشت در اطراف آن می روید. به نظر می رسد این اندیشه های گلن از طریق تجارت و روابط دیگر از ترکیه به سرزمینهای دیگر از جمله عربستان رسیده و محمد اینها را به طور ناقص شنیده و به صورت ناقص تر از اصل، در قرآن آورده است که البته برای یک انسان امری طبیعی است نه برای خدا.

از معجزه تراشان باید پرسید این چه معجزه ایست که به طور ناقص از دیگران قرض گرفته می شود. این قرض گیری ناقص ایده ها توسط محمد دلیلی قطعی بر غیر الهی بودن منشأ قرآن است.

دوره حمل ۶ ماه در آیت زیر مجموع دوره بارداری و شیردهی ۳۰ ماه ذکر شده است:

وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَوَضَعَتْهُ كُرْهًا وَحَمْلُهُ وَفِصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَبَلَغَ أَرْبَعِينَ سَنَةً قَالَ رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَىٰ وَالِدَيَّ وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ وَأَصْلِحْ لِي فِي دُرِّيِّي إِنَِّّي نَبْتُ إِبْنِكَ وَإِنِّي مِنَ الْمُسْلِمِينَ. (۱۵) احقاف

ترجمه: و انسان را [نسبت] به پدر و مادرش به احسان سفارش کردیم مادرش با تحمل رنج به او باردار شد و با تحمل رنج او را به دنیا آورد و باربرداشتن و از شیرگرفتن او سی ماه است.

در آیت زیر دوره شیردهی را دوسال (۲۴ ماه) در نظر گرفته است.

وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهْنًا عَلَىٰ وَهْنٍ وَفِصَالُهُ فِي عَامَيْنِ أَنْ اشْكُرْ لِي وَلِوَالِدَيْكَ إِلَيَّ الْمَصِيرُ (۱۴)-لقمان

ترجمه: و انسان را در باره پدر و مادرش سفارش کردیم مادرش به او باردار شد سستی بر روی سستی و از شیر باز گرفتنش در دو سال است که شکرگزار من و پدر و مادرت باش که بازگشت [همه] به سوی من است-۱۴ لقمان

۳۰- (۲۴ = با کم کردن دوره شیردهی از ۳۰ ماه) ۶. در نتیجه به حکم قرآن بارداری ۶ ماه می شود که غلط است. عده ای از مفسران نیز متوجه این غلط شده اند و با سخنان غیر معقولی در پی دفاع از آن برآمده اند.

### خروج شیر از بین سرگین و خون

وَإِنَّ لَكُمْ فِي الْأَنْعَامِ لَعِبْرَةً نُسْقِيكُمْ مِمَّا فِي بُطُونِهِ مِنْ بَيْنِ فَرْثٍ وَدَمٍ لَبَنًا خَالِصًا سَائِغًا لِلشَّارِبِينَ (۶۶)-نحل

ترجمه: و در دامها قطعاً برای شما عبرتی است از آنچه در شکم آنهاست از میان سرگین و خون شیرینی ناب به شما می نوشانیم که برای نوشندگان گوار است(۶۶)-نحل

واضح است که خروج شیر از بین سرگین و خون، سخن بی معنی و غلطی است که نمی تواند گفته خدا باشد  
ادامه دارد

\*\*\*\*\*

1 - Hippocratic Writings, Penguin Classics, 1983, pgs.317-318

2 - Torah, Genesis 35:11

۳ - صحیح مسلم ج ۳ حدیث ۲۶۴۵

4-From: Dr Mark Hill 2011, UNSW Embryology ISBN: 978 0

7334 2609 4 - UNSW CRICOS Provider Code No. 00098G

5 - Corpus Medicorum Graecorum: Galeni de Semine (Galen: On Semen)

(Greek text with English trans. Phillip de Lacy, Akademik Verlag, 1992)

section I:9:1-10 pp. 92-95, 101